

268-131

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 268

Date of filing: 14 Mar '90

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award 14 Mar '90
_____ pages in English 40 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
AWARD

Case No. 268

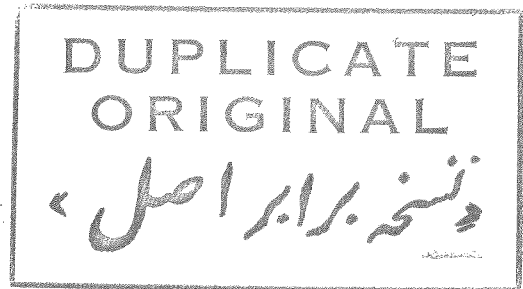
Chamber One

پرونده شماره ۲۶۸

شعبه یک

حکم شماره ۱-۲۶۸-۴۷۴

دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحدہ



رابت آر. شات،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

وزارت صنایع و معادن ایران،

وزارت مسکن و شهرسازی ایران،

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران،

بانک مرکزی ایران،

خوانندگان.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	14 MAR 1990
	تاریخ ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۸

حکم

حاضران:

از طرف خواهان:

آقای تامس اف. کانل، وکیل،
آقای رابرت آر. شات، خواهان،
آقای رابرت بی. شات، نماینده.

از طرف خواندگان:

آقای محمد کریم اشراق،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
آقای علی حیرانی نوبری،
معاون نماینده رابط،
آقای علی اکبر ریاضی،
مشاور حقوقی نماینده رابط،
آقای کرمعلی کامیستانی،
دستیار حقوقی نماینده رابط،
آقای علی به آبادی و
دکتر محمد علی امینی،
نمایندگان بانک مرکزی،
آقای خیام داداش زاده،
نماینده وزارت صنایع،
آقای پرویز صادقی،
حسابرس.

سایر حاضران:

آقای تیموتی ریمیش،
نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا.

فهرست مندرجات

<u>صفحه</u>	
۵	یک - واقعیات و اظهارات
	الف - ادعاهای مبتنی بر سلب مالکیت از علایق
۵	مالکانه در شرکتهای ایرانی
۶	۱ - ادعای مربوط به تهران بتون
۱۰	۲ - ادعای مربوط به شرکت گازهای صنعتی ایران
۱۰	۳ - ادعای مربوط به شرکت خدمات ایمنی ایران
۱۱	۴ - ادعای مربوط به سکوریتاس (ایران) لیمیتد
۱۲	۵ - ادعای مربوط به سهام بانک ایرانیان
۱۴	ب - ادعای وصول موجودی حسابهای بانکی در بانک ایرانیان
۱۶	ج - ادعای مربوط به حقوق، بازنشستگی و پاداش پایان خدمت
۱۸	د - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از اموال عینی شات
۲۱	دو - دلایل حکم
۲۱	الف - صلاحیت
۲۲	ب - ماهیت
	۱ - ادعا بابت سلب مالکیت از سهام شرکت تهران بتون و
۲۲	بابت سود سهام
	۲ - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از شرکت گازهای
۲۳	صنعتی ایران
	۳ - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از سهام شرکت خدمات
۲۴	ایمنی ایران

۲۵	۴ - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از سهام سکوریتاس (ایران) لیمیتد
۲۶	۵ - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از سهام بانک ایرانیان
۲۷	۶ - ادعای دیون پرداخت نشده
۲۷	الف - حسابهای بانکی
۳۰	ب - ادعای حقوق، بازنشستگی و پاداش پایان خدمت
۳۲	۷ - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از اموال عینی شات
۳۹	ج - هزینه‌ها
۳۹	سه - حکم

۱ - پرونده حاضر شامل هشت ادعای جداگانه علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و برخی واحدها و سازمانهای دولتی ایران ("خواندگان") می باشد. خواهان، رابرت آر. شات ("شات") ادعا می کند که از علایق مالکانه وی در شرکتهای مختلف ایرانی سلب مالکیت شده است. وی همچنین وصول موجودی حسابهای بانکی و دیون دیگری را مطالبه می کند که حسب ادعا بانک ایرانیان سابق به وی بدهکار بوده است. علاوه بر آن، شات ادعا می کند که از اموال عینی وی که شامل کلکسیون از فرشهای ایرانی و سرامیک و شیشه [آلات] عتیقه بوده، سلب مالکیت شده است. شات مبلغ ۲۱۷،۵۵۲/- دلار به عنوان غرامت علایق خود در شرکتهای ایرانی (۱) و مبلغ ۲۶۳،۹۲۹/- دلار بابت دیون پرداخت نشده و مبلغ ۱،۲۷۸،۳۵۰/- دلار به عنوان غرامت کلکسیون عتیقه (۲) خود مطالبه می کند. خواندگان هیچ مسئولیتی برای خود قایل نیستند. جلسه استماعی در روزهای ۲۳ و ۲۴ خردادماه ۱۳۶۸ [۱۳ و ۱۴ ژوئن ۱۹۸۹] تشکیل گردید.

یک - واقعیات و اظهارات

الف - ادعاهای مبتنی بر سلب مالکیت از علایق مالکانه در شرکتهای ایرانی

۲ - شات اظهار می دارد که برای مدت ۲۵ سال از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰، که شامل هشت

۱ - این مبلغ غیر از رقمی "متجاوز از ۳،۲۴۰،۰۰۰/- دلار" است که شات بدواً بابت سلب مالکیت ادعایی از علایق خود در شرکت ساختمانی اکام - دیلون مطالبه کرده بود. طبق حکم مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین شماره ۸۷-۱۵۷ مورخ ۳۰ آذرماه ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] شعبه ویژه (منتشره در 260 Iran-U.S. C.T.R. 7) دیوان در پرونده نشنال کورپوریشن فور هاووزینگ پارتنرشپس و سایرین و وزارت صنایع و معادن ایران و سایرین، این قسمت از ادعا مسترد گردید.

۲ - در حکم حاضر منظور از کلیه ارقام دلاری، دلار امریکا است.

سال مأموریت [وی] در ایران نیز می‌شود، در خدمت وزارت امور خارجه ایالات متحده بود. آخرین سمت وی در وزارت خارجه دستیار ویژه سفیر امریکا در تهران و مسئول امور سیاسی و نظامی بود. شات پس از ترک [خدمت] سفارت امریکا همچنان در تهران اقامت گزید. وی تقریباً به مدت نه سال به عنوان دستیار ویژه رئیس بانک در استخدام بانک ایرانیان بود. شات همچنین اظهار می‌دارد که به دلیل نا امن بودن اوضاع ایران برای اتباع امریکایی در زمان انقلاب، وی ایران را در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] ترک و به ایالات متحده مراجعت کرد. شات ادعا می‌کند که در مدت اقامت خود در ایران در طرحهای بازرگانی مختلف مشارکت داشت و به مؤسسات امریکایی علاقمند به تجارت در ایران نظر مشورتی می‌داد. وی ادعا می‌کند که در نتیجه این فعالیتها، علایقی در چندین شرکت ایرانی، از جمله تهران بتون، شرکت گازهای صنعتی ایران و خدمات ایمنی ایران، سکوریتاس (ایران) لیمیتد و بانک ایرانیان به دست آورد.

۱ - ادعای مربوط به تهران بتون

۳ - شات ادعا می‌کند که وی بدواً در سال ۱۹۷۳، ۹ سهم در یک شرکت ایرانی تولید کننده بتون آماده، به نام تهران بتون به دست آورد. تا سال ۱۹۷۵ وی حسب ادعا ۲۷ سهم تحصیل کرده بود که بهای کلیه آنها را به ارزش ۱،۳۵۰،۰۰۰/- ریال تماماً پرداخته بود. شات اظهار می‌دارد که در سال ۱۹۷۷، شرکت بخشی از سود خود را بین سهامداران توزیع و با استفاده از بقیه سود، سرمایه شرکت را دو برابر کرد، یعنی از ۴۵ میلیون ریال آنرا به ۹۰ میلیون ریال افزایش داد. طبق اظهار شات، در نتیجه این عمل، تعداد سهام وی نیز دو برابر گردید و از ۲۷ سهم به ۵۴ سهم رسید.

۴ - علایق شات در تهران بتون به نام دختر وی باربارا شات مستوفی ("مستوفی") ثبت

شده بود. شات اظهار می‌دارد که او سهام را از جهت سهولت کار و استفاده از مزایای مالی هبه به نام مستوفی کرده بود. بطوریکه شات می‌گوید، مستوفی تابعیت مضاعف داشته، به عنوان تبعه ایالات متحده در ایران متولد و در نتیجه ازدواج با یک ایرانی به نام جهان مستوفی در سال ۱۹۷۳، به تابعیت ایران درآمد.

۵ - شات همچنین اظهار می‌دارد که در ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [۱۸ مه ۱۹۸۱] مستوفی کلیه علائق مالکانه خود را در تهران بتون به وی واگذار کرد تا وی بتواند این ادعای سلب مالکیت را همراه با سایر ادعاهای مطروح در دیوان تعقیب کند.

۶ - شات اظهار می‌دارد که در سال ۱۹۷۹ که از سهام وی در تهران بتون سلب مالکیت شد، ارزش علائق مالکانه وی $۶,۶۰۰,۰۰۰/$ ریال یا $۹۳,۶۵۰/$ دلار بود. بنابراین وی بابت سه درصد مالکیت خود در آن شرکت مبلغ $۹۳,۶۵۰/$ دلار مطالبه می‌کند و اظهار می‌دارد که وی حداقل استحقاق دریافت ارزش اسمی اعلام شده سهامش را که جمعا" به $۲,۷۰۰,۰۰۰/$ ریال یا $۳۸,۳۱۱/$ دلار بالغ می‌شده دارد.

۷ - شات همچنین ادعا می‌کند که تهران بتون تا زمان سلب مالکیت ادعایی، به وی سود سهام سالانه را می‌پرداخت و برای مثال در سال ۱۳۵۴ شرکت مزبور سود هر سهم را $۲۲,۵۰۰/$ ریال اعلام و پرداخت کرد. وی در آن سال مبلغ $۶۰۷,۵۰۰/$ ریال (منهای $۹۱,۱۲۵$ ریال بابت کسور مالیاتی ایران) بابت ۲۷ سهم خود دریافت کرد. شات ادعا می‌کند که گرچه بعد از سال ۱۹۷۸ پرداخت سود سهام به وی قطع شد، اما شرکت مزبور در سال ۱۹۷۹ سود سهام را اعلام کرد و از این بابت، به دلیل ملی شدن شرکت توسط دولت انقلابی ایران، وجهی توسط شرکت به وی پرداخت نگردید. نامبرده اظهار می‌دارد که هیچ اطلاعیه، گزارش یا مراسله

دیگری، از اواخر سال ۱۹۷۸ به بعد، از شرکت دریافت نکرد و نه برای او و نه برای دخترش هیچ حق مالکیتی قابل نشدند. شات مبلغ -/۲۵،۰۰۰ دلار بابت سود سهام سال ۱۹۷۹ که حسب اظهار وی اعلام شد، ولی پرداخت نگردید، مطالبه می‌کند.

۸ - شات ادعا می‌کند که دولت ایران در سال ۱۹۷۹ از علایق وی در تهران بتون سلب مالکیت کرد. طبق قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، مصوب ۱۴ تیرماه ۱۳۵۸ [پنجم ژوئیه ۱۹۷۹]، کلیه مؤسسات متعلق به افراد و خانواده‌های مذکور در فهرست ۵۱ نفری منضم به آن قانون ملی شدند. نام خانواده لاجوردی نیز که از سهامداران عمده تهران بتون بود، در آن فهرست قرار داشت. شات اظهار می‌دارد که شرکتهای ملی شده طبق قانون حفاظت و توسعه صنایع، از جمله تهران بتون، توسط مدیران منصوب دولت، زیر نظر سازمان صنایع ملی ایران که جزئی از وزارت صنایع و معادن ایران است، کنترل و اداره می‌شوند.

۹ - دولت ایران و تهران بتون از دیوان درخواست کرده‌اند که ادعا را به دلیل فقد صلاحیت رد کند. آنها استدلال می‌کنند که اولاً "شات هیچگاه سهامدار شرکت نبود و بنابراین حق اقامه دعوا ندارد. نامبردگان همچنین اظهار می‌دارند که ادعا فقط توسط مستوفی قابل طرح می‌باشد، زیرا سهام به نام وی به ثبت رسیده بود. در مورد مستوفی، خواندگان استدلال می‌کنند که وی فردی است دارای تابعیت مضاعف و تابعیت ایرانی ایشان، به استناد این واقعیت که او در ایران متولد شده و از طریق ازدواج با یک ایرانی تابعیت ایرانی کسب کرده و قسمت اعظم عمر خود را تا دسامبر ۱۹۷۸ در ایران گذرانده، تابعیت غالب و موثر می‌باشد. بنابراین خواندگان اظهار می‌دارند که هر ادعای مطروح توسط مستوفی نیز خارج از صلاحیت دیوان است.

۱۰ - در مورد واگذاری ادعاء خواندگان استدلال می‌کنند که قانون ایران حاکم بر واگذاری هرگونه حقوق مربوط به سهام شرکت است. حسب ادعاء، واگذاری مذکور طبق قانون ایران معتبر نیست زیرا طبق ماده ۴۰ قانون تجارت ایران، واگذاری سهام باید در دفتر ثبت سهام شرکت درج شده باشد. تهران بتون اظهار می‌دارد که مستوفی این الزام را رعایت نکرده است. خواندگان همچنین اظهار می‌دارند که انتقال ادعایی، حتی اگر صحیح هم می‌بود، بعد از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹] ژانویه ۱۹۸۱] صورت گرفته و بنابراین با شرط استمرار مالکیت در بیانیه حل و فصل دعاوی تطبیق نمی‌کند.

۱۱ - خواندگان همچنین منکر سلب مالکیت از سهامی هستند که بدواً به نام مستوفی خریده شده بودند. خواندگان تأکید می‌کنند که سهام متعلق به خانواده لاجوردی طبق قانون حفاظت و توسعه صنایع به مالکیت دولت درآمد. ولی آنها استدلال می‌کنند که این امر در علائق سهامداران دیگر از جمله مستوفی، تأثیری نگذاشت و شرکت تهران بتون کماکان یک شرکت سهامی خاص باقی مانده است. در این مورد، خوانده، تهران بتون اظهار می‌دارد که سهامداران هر ساله براساس اساسنامه تهران بتون، از طریق درج آگهی در روزنامه کیهان، برای شرکت در مجامع عمومی سالانه دعوت شده‌اند.

۱۲ - در ۱۸ فروردین ماه ۱۳۶۸ [هفتم آوریل ۱۹۸۹]، یعنی پس از انقضای مهلت ثبت لوایح کتبی، لایحه‌ای با عنوان "گزارش درباره ارزش (شرکت سهامی خاص) تهران بتون در ۱۳ اسفندماه ۱۳۵۸ [سوم مارس ۱۹۸۰]" توسط شرکت مزبور به ثبت رسید.

۲ - ادعای مربوط به شرکت گازهای صنعتی ایران

۱۳ - شات اظهار می‌دارد که ۱۰۰ سهم در شرکت گازهای صنعتی ایران داشته که بابت آنها مبلغ /- ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال یا /- ۱۴،۱۸۹ دلار پرداخته است. وی استدلال می‌کند که طبق قانون حفاظت و توسعه صنایع کلیه شرکتهای شاغل در صنعت نفت و گاز، از جمله شرکت گازهای صنعتی ایران، ملی شدند. شات کل ارزش سرمایه‌گذاری خود را مطالبه می‌کند.

۱۴ - دولت ایران منکر سلب مالکیت از شرکت گازهای صنعتی ایران است و استدلال می‌کند که شرکت مشمول قانون حفاظت و توسعه صنایع نبود، زیرا در آن قانون صرفاً "تأمین گردیده که صنعت اکتشاف و استخراج نفت و گاز طبیعی "قبلا" ملی شده" است و شرکت گازهای صنعتی ایران حسب ادعا، فقط یک شرکت خدماتی بود که به توزیع گازهای صنعتی اشتغال داشت. خواندگان همچنین اظهار می‌دارند که شرکت مزبور آخر الامر طبق تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران در نهم بهمن ماه ۱۳۵۸ [۲۹ ژانویه ۱۹۸۰]، همانطور که در آگهی انحلال منتشره در روزنامه رسمی کشور به تاریخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۸ [۱۷ فوریه ۱۹۸۰] درج شده است، منحل گردید. خواندگان استدلال می‌کنند که شات اگر سهامدار می‌بود، می‌توانست شخصا یا با تفویض حق راعی در مجمع سهامداران شرکت کند و اینکه وی ترجیح داد در آن مجمع شرکت نکند نمی‌تواند ارتباطی به دولت ایران داشته باشد.

۳ - ادعای مربوط به شرکت خدمات ایمنی ایران

۱۵ - شات ادعا می‌کند که منافی معادل ۵ درصد سهم‌الشرکه در شرکت خدمات ایمنی ایران داشت که در سال ۱۹۷۷ به منظور ارائه خدمات نگهداری به شرکتهای گوناگون تأسیس شده بود. وی اظهار می‌دارد که بابت آن سهام مبلغ

-/۲۰۰،۰۰۰ ریال یا -/۲،۸۳۸ دلار پرداخته بود. هرچند شات نمی‌داند که آیا شرکت مزبور مشخصاً "ملی شده است یا خیر، با اینحال اظهار می‌دارد که روشن است که از علایق وی در سال ۱۹۷۹ سلب مالکیت گردید و وی هیچ اطلاعیه‌ای درباره جلسات هیأت مدیره یا گزارشهای ماهانه یا سالانه و نیز هیچ سود سهامی از آن سال تاکنون، دریافت نکرده است. وی ادعا می‌کند که از علایق مالکانه وی در آن شرکت سلب مالکیت شده و او خبر این سلب مالکیت را از یک ایرانی مهاجر که قبلاً از سهامداران عمده شرکت خدمات ایمنی ایران بوده، دریافت کرده است. شات کل ارزش سرمایه‌گذاری خود، به مبلغ -/۲۰۰،۰۰۰ ریال یا -/۲،۸۳۸ دلار را مطالبه می‌کند.

۱۶ - دولت ایران اظهار می‌دارد که پس از انجام تحقیقات لازم، نتوانست هیچ سندی در مورد خدمات ایمنی ایران در اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی پیدا کند. خواننده در هر حال انکار می‌کند که از چنین شرکتی سلب مالکیت شده باشد.

۴ - ادعای مربوط به سکوریتاس (ایران) لیمیتد

۱۷ - شات ادعا می‌کند که در شرکت سکوریتاس (ایران) لیمیتد که ایضا "خدمات نگهبانی ارائه می‌کرده، پنج درصد علاقه داشته است. وی اظهار می‌دارد که برای ۵۰ سهم آن شرکت مبلغ -/۵۰۰،۰۰۰ ریال پرداخت کرده بود. شات ادعا می‌کند که از علایق وی در این شرکت، مانند شرکت خدمات ایمنی ایران، در سال ۱۹۷۹ سلب مالکیت شد و از آن موقع تا کنون وی سود سهام یا مراسله‌ای از آن شرکت دریافت ننموده است. همان ایرانی مورد اشاره در بند ۱۵ فوق که از مدیران ارشد سکوریتاس ایران نیز بود، حسب ادعا به شات اطلاع داد که از علایق مالکانه وی در آن شرکت سلب مالکیت شده است. حسب گزارش، دولت ایران کلیه دارایی شرکت را ضبط و قراردادهای خود با آن شرکت را لغو نموده است. شات کل ارزش

سرمایه‌گذاری خود را به مبلغ ۵۰۰،۰۰۰/- ریال یا ۷،۰۹۵/- دلار مطالبه می‌کند.

۱۸ - خواننده، دولت ایران در این مورد نیز اظهار می‌دارد که نتوانسته است هیچ اثری از این شرکت در اداره ثبت شرکتها پیدا کند. خواننده همچنین منکر سلب مالکیت از چنین شرکتی است.

۵ - ادعای مربوط به سهام بانک ایرانیان

۱۹ - شات در لوائح خود ادعا کرده است که در بانک ایرانیان، که از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۷۹ کارمند آن بود، بیش از ۱۰۰۰ سهم داشته و بابت هر سهم ۱۰۰۰ ریال پرداخته بود. وی ادعا می‌کند که بعضی از سهام مزبور به نام دخترش باربارا مستوفی ثبت شده بودند. شات اذعان دارد که در زمان خرید آن سهام مقررات ایران به وی اجازه خرید آنها را به نام خود وی نمی‌داد، زیرا مالکیت خارجی در بانک ایرانیان حداکثر به ۳۵ درصد محدود شده بود و با خرید این میزان سهام توسط سیتی بانک حدنصاب حاصل شده بود. لیکن بعد از آنکه سیتی بانک اکثر سهام خود را در سال ۱۹۷۸ فروخت، سهام مستوفی به نام خود وی باقی ماند. شات مقرر است که وی اقدامی برای اینکه سهام دخترش به نام وی ثبت شود به عمل نیاورد، ولی ادعا می‌کند که مستوفی کلیه حقوقی را که بابت سهام داشت، در ژانویه ۱۹۸۲ به وی منتقل کرد. در جلسه استماع شات ادعا کرد که علاوه بر ۳۵۰ سهمی که وی ابتدا به نام دخترش خریده بود و هنوز هم آن اوراق سهام را در دست دارد، حدود ۱۷۰۰ سهم دیگر از سهام بانک بعداً به نام دخترش به ثبت رسید. سهام اخیرالذکر با فتوکپی اوراق سهامی که بانک تجارت به عنوان سهام متعلق به مستوفی تسلیم کرده است، مطابقت دارد. شات پس از طرح این ادعا که ۳۵۰ فقره سهم اولیه بانک ایرانیان (که با اوراق سهامی که در اختیار دارد مطابق است و نسخه‌ای از آنها را قبلاً به عنوان مدرک ارائه کرده بود) سوای ۱۷۰۰ سهمی است

که لایحه بانک تجارت دلالت بر آن دارد، در جلسه استماع اجازه خواست که تعداد سهام مصادره شده‌ای را که بابت آنها غرامت مطالبه کرده، به ۲۰۵۰ عدد افزایش دهد.

۲۰ - شات اظهار می‌دارد که در ۱۷ خردادماه ۱۳۵۸ [هفتم ژوئن ۱۹۷۹] دولت ایران کلیه بانکهای ایران، از جمله بانک ایرانیان، را ملی کرد و از آن ببعد بانک مزبور تحت کنترل و اداره بانک مرکزی ایران قرار گرفته است. شات استدلال می‌کند که وی محق به دریافت غرامت سلب مالکیت از کلیه سهامی است که بدو "متعلق به دخترش بوده، زیرا وی منتقل‌الیه ادعای دختر خود می‌باشد. شات ادعا می‌کند که اندکی قبل از سلب مالکیت از سهام، ارزش هر یک از آنها در بورس تهران ۳۱۰۰/- ریال بوده است. بنابراین وی معتقد است که محق به دریافت ۶،۳۵۵،۰۰۰/- ریال بابت غرامت سلب مالکیت از ۲۰۵۰ سهم می‌باشد.

۲۱ - در مورد این قسمت از ادعای بانک تجارت اظهار می‌دارد که سهام بانک ایرانیان به نام مستوفی ثبت شده است. مستوفی در نتیجه ازدواج با یک ایرانی در سال ۱۹۷۳ به تابعیت ایران درآمد. خواننده استدلال می‌کند که چون مستوفی در بدو امر فقط به عنوان تبعه ایران می‌توانست آن سهام را تحصیل کند، لذا ادعای ناشی از سلب مالکیت از این سهام، از لحاظ بیانیه حل و فصل دعاوی، فاقد وصف ادعایی است که "مستمر" متعلق به "یک تبعه ایالات متحده بوده است. بنابراین به نظر بانک تجارت، دیوان نسبت به این قسمت از ادعا فاقد صلاحیت است. بانک تجارت همچنین متذکر می‌شود که مستوفی در زمان خرید سهام کتبا تعهد کرده بود که هرگاه تابعیت ایرانی خود را رها کند، قانوناً ملزم به فروش سهام خود به اتباع ایران خواهد بود.

۲۲ - در پاسخ به این استدلال که ادعا به شات واگذار شده، بانک اولاً اظهار می‌دارد که

انتقال سهام بانک ایرانیان می‌بایست از طریق بانک ایرانیان انجام و در دفاتر بانک ثبت گردد. ثانياً طبق قانون و اساسنامه بانک، انتقال این قبیل سهام به افراد غیر ایرانی ممنوع است. بانک همچنین استدلال می‌کند که انتقال ادعایی بعد از تاریخ اجرای بیانیه‌های الجزیره صورت گرفته و چنین ادعایی حتی اگر درست هم باشد، طبق شرط استمرار مالکیت مقرر در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، غیرقابل طرح است.

۲۳ - علاوه بر آن، بانک اظهار می‌دارد که در اوت ۱۹۷۸ بانک ایرانیان به توصیه شات وامی به مبلغ /- ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال به مستوفی داد و، طبق اظهار بانک بدین منظور چکی به همان مبلغ به حواله کرد مستوفی صادر و توسط شات ظهرنویسی شد. بانک اظهار می‌دارد که آن وام بازپرداخت نشد و مستوفی تا تاریخ ملی شدن بانک مبلغ /- ۱,۷۰۱,۶۸۳ ریال به بانک بدهکار بود. بانک همچنین اظهار می‌دارد که، طبق تصویبنامه شماره ش/۱۰۰۷ شورای عالی بانکها، در نتیجه ملی شدن بانک، مستوفی محق به دریافت /- ۱,۳۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان غرامت از دست دادن ۱۷۰۰ سهم خود گردید. بانک اظهار می‌دارد که مبلغ غرامت استحقاقی مستوفی را در قبال مبلغ /- ۱,۷۰۱,۶۸۳ ریال وامی که وی به بانک بدهکار بوده و نپرداخته، تهاتر کرده است.

ب - ادعای وصول موجودی حسابهای بانکی در بانک ایرانیان

۲۴ - شات اظهار می‌دارد که وی در تاریخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] ایران را ترک و به ایالات متحده مراجعت کرد. هنگام مراجعت از ایران، وی حسب ادعا چند فقره گواهی سپرده ثابت به مبلغ /- ۱۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال داشت که بابت آنها سالانه ده درصد بهره دریافت می‌کرد. علاوه بر آنها، وی یک حساب جاری با موجودی /- ۲,۰۳۶,۵۹۰ ریال نیز داشت. بهره حسابهای سپرده، طبق اظهار

شات، ماهانه به حساب جاری وی، که به آن نیز ده درصد بهره مرکب ماهانه تعلق می‌گرفت، تودیع می‌شد. شات اظهار می‌دارد که بانک از دسامبر ۱۹۷۸ از پرداخت بهره به کلیه حسابهای وی امتناع کرده است. وی همچنین می‌گوید که طی نامه‌ای که در تاریخ سوم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] برای آقای کریم آبادی، مسئول وقت بانک فرستاد، از وی درخواست کرد که موجودی حسابهای سپرده و کلیه وجوه حسابهای جاری او پرداخت گردد. بانک از بازپرداخت اصل وجوه امتناع کرد. ادعای شات از این بابت بدواً "۱۳،۰۳۶،۵۹۰/- ریال یا ۱۸۴،۹۸۲/- دلار بود. شات در لایحه جوابیه‌ای که در ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۱۸ مه ۱۹۸۷] به ثبت رساند، ادعای دیگری برای پرداخت مبلغ ۷۹۰/۵۸ دلار از یک حساب دلاری و مبلغ ۷۸/۳۵ پوند از یک حساب پوند استرلینگ، که در همان نامه مورخ سوم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] درخواست بسته شدن آنها را کرده بود، مطرح نمود.

۲۵ - بانک تجارت نسبت به وجود و مبالغ موجودی چهار فقره سپرده ثابت و حساب جاری یا حساب دلاری و پوند استرلینگ ایرادی ندارد. بانک تجارت در لایحه استماع خود اظهار می‌دارد که به حسابهای سپرده تا ۲۹ آذرماه ۱۳۵۸ [۲۰ دسامبر ۱۹۷۹] بهره تعلق گرفت و بهره متعلقه به حساب جاری شات که اینک به ۲،۰۳۶،۵۹۰/- ریال بالغ می‌شود، واریز گردیده است. از آن تاریخ به بعد، دیگر تقاضایی برای تمدید سپرده‌های ثابت به عمل نیامد و از اینرو به عقیده بانک، از ۲۹ آذرماه ۱۳۵۸ [۲۰ دسامبر ۱۹۷۹] به بعد، دیگر بهره‌ای به حسابها تعلق نمی‌گرفته است. بانک همچنین منکر آنست که شات مستحق دریافت بهره ویژه‌ای بابت وجوه موجود در حساب جاری خود بوده است.

۲۶ - بانک در لوایح خود استدلال می‌کرد که حق داشته وجوه موجود در حساب شات را در برابر کلیه دیون مشتریانی که شات معرفی کرده بود، تهاتر کند. بانک ابتدا این موضع را طی نامه مورخ ۱۹ مهرماه ۱۳۵۸ [۱۱ اکتبر ۱۹۷۹] خود (در پاسخ به

نامه مورخ سوم مهرماه/ ۲۵ سپتامبر شات) اتخاذ کرد و طی آن اظهار داشت که اجابت درخواستهای شات موکول به تصفیه صحیح حسابهای مشتریانی است که شات آنها را به بانک معرفی و توصیه کرده است. در سراسر جریان رسیدگی پرونده حاضر، شات این موضع را اتخاذ کرده که هیچگاه ضامن وامهای اعطایی توسط بانک نبوده است. وی به عنوان دستیار ویژه رئیس بانک، واقعا مشتریانی را به بانک معرفی کرده بود، ولی تأکید می‌کند که این امر به آن معنی نبود که وی اعتبار هیچیک از مشتریان بانک را تضمین کرده باشد. بانک تجارت در جلسه استماع پذیرفت که اگرچه تضمین وامهای اعطایی به این مشتریان را وظیفه اخلاقی شات می‌داند، اما حق شات نسبت به [موجودی] حسابش منوط و مشروط به تصفیه حساب مشتریانی که شات معرفی کرده بود، نیست.

۲۷ - پس از انقضای مهلت ثبت لوایح، در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ [۱۶] مه ۱۹۸۹] مدرکی تحت عنوان "شهادتنامه فریبرز شعبانیان" رئیس امور حقوقی بانک تجارت به عنوان سندی دیگر در رد ادعای شات علیه بانک به ثبت رسید. در همان تاریخ لایحه‌ای نیز توسط بانک مرکزی ایران تحت عنوان "توضیحات اضافی" به ثبت رسید.

ج - ادعای مربوط به حقوق، بازنشستگی و پاداش پایان خدمت

۲۸ - همانطور که ملاحظه شد (به بند ۲ فوق مراجعه شود)، شات تقریباً به مدت نه سال به عنوان دستیار ویژه رئیس بانک برای بانک ایرانیان کار کرد. نامبرده ادعا می‌کند که پس از آنکه روشن شد که اتباع ایالات متحده نمی‌توانند به نحو رضایتبخش در مشاغل خود خدمت کنند در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] ایران را ترک کرد. وی اظهار می‌دارد که رئیس بانک به وی اجازه ترک (کشور) را داده بود. وی همچنین اظهار می‌دارد که قصد مراجعت به ایران و بازگشت به شغل خود در بانک

را داشت، ولی اوضاع سیاسی خارج از حیطه قدرت وی تنها مانعی بود که از مراجعت او به ایران جلوگیری کرد. شات مبلغ ۱۸،۰۰۰/- دلار بابت حقوق معوقه خود از بانک برای دوره ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹]، تاریخی که حسب ادعا ایران را ترک کرد، تا تاریخ سوم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] که طی نامه‌ای به آقای کریم آبادی درخواست خاتمه خدمت نمود، مطالبه می‌کند.

۲۹ - شات به علاوه، مبلغ ۱۰،۰۰۰/- دلار بابت پاداش پایان خدمت و مبلغ ۵۰،۰۰۰/- دلار بابت حقوق بازنشستگی مطالبه و استدلال می‌کند که براساس ترتیباتی که در این مورد با آقای ابتهاج رئیس وقت بانک داده بود و نیز طبق رویه معمول در ایران، وی حق دارد هم پاداش پایان خدمت و هم حقوق بازنشستگی به مبالغی که عرفاً در ایران معمول است، از بانک دریافت کند.

۳۰ - بانک تجارت منکر ذیحق بودن شات نسبت به مبالغ فوق‌الذکر است و اظهار می‌دارد که شات به عنوان کارمند غیر رسمی و موقت در بانک ایرانیان استخدام شده بود و قرارداد استخدام رسمی با بانک نداشته است. بانک به حکم استخدامی مورخ دهم مردادماه ۱۳۴۹ [اول اوت ۱۹۷۰] بانک ایرانیان اشاره می‌کند که به موجب آن، شات از تاریخ ۱۳ تیرماه ۱۳۴۹ [چهارم ژوئیه ۱۹۷۰] به عنوان دستیار ویژه رئیس بانک استخدام و طی آن حقوق و مزایایش به اطلاع وی رسیده بود. بانک همچنین در تأیید اظهارات خود می‌گوید که اجازه کار آقای شات به عنوان کارمند موقت باید هر شش ماه یکبار به درخواست کارفرما تمدید می‌شد. بانک ادعا می‌کند که شات در اول بهمن ماه ۱۳۵۷ [۲۱ ژانویه ۱۹۷۹] ترک خدمت کرد و منکر آن است که به وی اجازه داده شده بود کار خود را رها کند. بانک می‌گوید که به دلیل عزیمت ناگهانی شات، نامه‌ای برای وی ارسال و طی آن اشعار داشت:

مقتضی است حداکثر تا تاریخ ۵۷/۱۲/۱۵ [ششم مارس

۱۹۷۹] جهت روشن نمودن وضع خدمتی خود را به اداره کارگزینی و رفاه کارکنان معرفی در غیر اینصورت مستعفی از خدمت تلقی خواهید شد.

شات اظهار می‌دارد که این نامه را دریافت نکرده است. بهر حال چون شات پس از آن اخطار خود را به بانک معرفی نکرد، بانک وی را از اول بهمن ماه ۱۳۵۷ [۲۱ ژانویه ۱۹۷۹] مستعفی تلقی کرد. بنابراین به نظر بانک، تقاضای شات برای دریافت حقوق و پاداش پایان خدمت بی‌اساس است و باید رد شود.

۳۱ - در مورد ادعای حقوق بازنشستگی، بانک تجارت مدعی است که چون شات کارمند رسمی بانک نبود، از حقوق ماهانه وی طی نه سال خدمت کسور بازنشستگی سهم کارمند کسر نمی‌شد. علاوه بر آن، بانک اظهار می‌دارد که شات هیچ مدرکی حاکی از اینکه ذیحق به دریافت چنین حقوقی است ارائه نکرده است. بنابراین بانک نتیجه می‌گیرد که ادعای مربوط به حقوق بازنشستگی باید رد شود.

د - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از اموال عینی شات

۳۲ - شات اظهار می‌دارد که هنگام عزیمت خود از ایران، حدوداً ۳۵ قطعه فرش عتیقه و تقریباً ۴۰۰ قطعه سرامیک و شیشه آلات عتیقه جزو ائانه شخصی خود در خانه‌اش در تهران باقی گذارد و اندکی بعد از عزیمت، از پسرش رابرت بی. شات تقاضا کرد که این کلکسیون فرش و عتیقه را جمع آوری و بسته بندی کند و آنها را یا از ایران صادر و یا در محل امنی در تهران انبار نماید. پسر شات در آن موقع از کارکنان شرکت جنرال الکتریک تکنیکال سرویسز ("گتسکو") یک شعبه فرعی ماورا^۶ بحر جنرال الکتریک کامپنی در ایران بود. شات همچنین ادعا می‌کند که در ماههای ژوئیه و اوت ۱۹۷۹ پسرش به درخواست وی به ایران مراجعت کرد و کلیه فرشها و عتیقه‌ها را در چندین صندوق چوبی بسته‌بندی و سعی کرد آنها را از ایران خارج

کند. در گمرک ایران، مقامات گمرک و نمایندگان دولت انقلابی ایران، حسب ادعا در صدد توقیف آنها برآمدند. گرچه مقامات مزبور آخرالامر آن اموال را آزاد کردند، اما حسب ادعا به پسر شات گفته شد که اجازه صدور اموال داده نخواهد شد. سپس پسر شات، که از صدور اموال منع شده بود، آنها را در انبار کاملاً امن و قفل شده‌ای قرار داد که طبق اظهار شات، متعلق به شرکت مختلطی به نام الکترو - مکانیکال سرویسز کامپنی ("امسکو") بود که توسط جنرال الکتریک تأسیس شده بود. شات اظهار می‌دارد که پسر وی به عنوان یک کارمند مورد اعتماد جنرال الکتریک اجازه یافته بود از انبار برای آن منظور استفاده کند. بدین ترتیب، پسر شات حسب ادعا در اوت ۱۹۷۹ چندین صندوق چوبی حاوی تمامی فرشها و کلکسیون عتیقه پدر خود را برای نگهداری در آن انبار قرار داد.

۳۳ - شات اظهار می‌دارد که بعد از انقلاب، پاسداران انقلاب ایران تمامی کلکسیون را مصادره و انبار را اشغال کردند. گرچه وی دو بار استرداد اموال خود را درخواست و تقاضا کرد که اقلامی که قابل صدور نیست به [بانک] کردی سویس به عنوان نماینده شات در تهران تحویل شود، دولت ایران با آن درخواستها موافقت نکرده است. شات استدلال می‌کند که دولت ایران با اشغال انبار و امتناع از استرداد اموال وی، آنها را مصادره کرده است. شات در دادخواست خود مبلغ /- ۲۰۰,۰۰۰ دلار به عنوان غرامت سرامیکها و شیشه آلات مصادره شده و مبلغ /- ۶۵,۰۰۰ دلار بابت فرشها مطالبه می‌کند. شات در تأیید ادعای خود، شهادتنامه‌هایی از خود، پسرش، آقای ویلیام دبلیو. له‌فلت دوست نزدیک خود شات و معاون و مدیرعامل سابق گتسکو، و آقای کریستوفر فیلاکتو که او نیز دوست نزدیک شات است و از سال ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۷۸ در ایران کار می‌کرده و همچنین شهادتنامه‌ای از آقای ربیع سلیمانی یک فروشنده اشیاء عتیقه که قبلاً در ایران زندگی می‌کرده، تسلیم نموده است.

۳۴ - شات (در لایحه استماع خود که در تاریخ ۲۷ مردادماه ۱۳۶۵ / ۱۸ اوت ۱۹۸۶ ثبت گردید) مبلغ خواسته بابت تمامی کلکسیون را براساس ارزشی که آقای سلیمانی روی قسمت عمده‌ای از کلکسیون گذاشته از ۲۶۵،۰۰۰/- دلار به ۱،۲۷۸،۳۵۰/- دلار افزایش داد. ارزیابی آقای سلیمانی در شهادتنامه وی که بخشی از لوایح کتبی پرونده حاضر را تشکیل می‌دهد، درج گردیده است. آن قسمت از کلکسیون که توسط آقای سلیمانی ارزیابی شده - حسب ادعای شات - از مغازه عتیقه فروشی متعلق به پدر و عموی آقای سلیمانی در تهران خریداری شده بود. این ارزیابی براساس ریز اقلام کلکسیون که آقای شات به آقای سلیمانی تسلیم کرده، انجام شده و مبتنی بر اطلاع خود آقای سلیمانی از کلکسیون نیست. سلیمانی در شهادتنامه خود اظهار نموده است که من "شخصاً" به دفعات زیادی هنگام چنین خریدهایی حضور داشتم" و "با آنکه نمی‌توانم تصدیق نمایم که آقای شات تمام اقلام موجود در لیست را خریداری کرده،" اما "عقیده [دارم] که لیست [مزبور] بطور دقیق منعکس کننده خریدهای ذکر شده می‌باشد." مبلغ ارزیابی به ۸۷۱،۰۵۰/۶۶ دلار بالغ می‌شود. شات براساس ارزیابی آقای سلیمانی، ارزش مابقی کلکسیون خود را ۴۰۷،۳۰۰/- دلار تعیین کرده است.

۳۵ - خوانندگان، دولت ایران و وزارت سپاه پاسداران، درخواست کرده‌اند که ادعای شات به این دلیل که وی مدرکی در اثبات اظهارات خود ارائه نداده، رد شود. اولاً وزارت سپاه استدلال می‌کند که خواهان مدرکی ارائه نکرده که نشان دهد اشیاء مورد ادعا وجود داشته و متعلق به وی بوده است. ثانیاً خوانندگان اظهار می‌دارند که مدرکی ارائه نشده است که نشان دهد اشیاء در ایران بجا مانده و در انبار شرکت امسکو قرار گرفته بودند. خوانندگان همچنین استدلال می‌کنند که مدارکی وجود ندارد که نشان دهد شرکتی به نام امسکو حتی وجود خارجی داشته یا اینکه صاحب انبار مورد بحث بوده است. وزارت سپاه به نامه‌ای از اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی استناد می‌کند که اعلام کرده اثری از ثبت چنین شرکتی در آن

اداره یافت نمی‌شود. به علاوه، خوانندگان استدلال می‌کنند که مدرکی ارائه نشده است که نشان دهد پاسداران انقلاب ایران آن انبار را تصرف و اموالی را توقیف کرده‌اند که حسب ادعا در آنجا انبار شده بود. درارتباط با شهادتنامه‌های شات، پسر وی، آقای فیلاکتو و آقای له‌فلت که در تأیید ادعاهای شات ارائه شده‌اند، خوانندگان متذکر می‌شوند که شهادتنامه‌های مزبور فاقد ارزش حقوقی هستند، زیرا کلیه شهادت دهندگان ذینفع در قضیه‌اند و اظهارات مندرج در آنها با هیچ مدرک مثبت‌ای تأیید نشده است. و بالاخره، خوانندگان استدلال می‌کنند که ارزیابی شات از کلکسیون عتیقه ثابت نشده و به عقیده آنها، مغایرت بین ارزیابی اولیه در دادخواست به مبلغ ۲۶۵،۰۰۰/- دلار با ارزیابی بعدی در لایحه استماع به مبلغ ۱،۲۷۸،۳۵۰/- دلار قابل جمع نیست.

دو - دلایل حکم

الف - صلاحیت

۳۶ - بحثی نیست که خواهان تبعه ایالات متحده است. شات ادعاهای مربوط به بانک ایرانیان سابق را علیه بانک مرکزی ایران اقامه نموده است، زیرا از نظر وی بانک اخیرالذکر اداره و کنترل بانک ایرانیان را در دست دارد. بانک مرکزی نسبت به اینکه خواننده این پرونده واقع شده است اعتراض دارد. از بانک تجارت گرچه به عنوان خواننده نامی برده نشده است ولی بانک مزبور در لوایح خود به ادعای بانکی شات پاسخ داده، زیرا همانطور که اظهار می‌دارد، ادعاها علیه سلف وی، یعنی بانک ایرانیان، اقامه شده‌اند. باتوجه به نتیجه‌گیریهای مندرج در بندهای ۵۰ - ۴۸ آتی، دیوان نیازی به بررسی این سؤال ندارد که آیا بانک مرکزی ایران در این پرونده خواننده واقعی هست یا خیر. گرچه موضوعات صلاحیتی دیگری در این پرونده مطرح است، دیوان این روش را مناسب تر می‌یابد که هر یک از آنها را در رابطه

با موضوعات ماهوی مربوط به خودشان، رسیدگی کند. دیوان اینک ماهیت ادعاهای مختلف را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهد.

ب - ماهیت

۱ - ادعا بابت سلب مالکیت از سهام شرکت تهران بتون و بابت سود سهام

۳۷ - شات ادعا می‌کند که دولت ایران در سال ۱۹۷۹ از علایق وی در تهران بتون سلب مالکیت کرد و شرکت مزبور از آن تاریخ به بعد، توسط مدیران منصوب دولت اداره شده است. تهران بتون و دولت ایران اظهار می‌دارند که فقط سهام متعلق به خانواده لاجوردی طبق قانون حفاظت و توسعه صنایع صادره گردیده است. دیوان معتقد است که شات سلب مالکیت از سهام خود را ثابت نکرده و مدرکی نیز - مانند مکاتبه بین شات و شرکت تهران بتون - وجود ندارد که نشان دهد شات بعد از ترک ایران در فوریه ۱۹۷۹ تلاش ناموفقی برای استیفاء حقوق خود به عنوان سهامدار معمول داشته است. از طرف دیگر، مدارکی در پرونده وجود دارد مبنی بر اینکه مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران شرکت سهامی خاص تهران بتون، پیرو آگهی منتشره در روزنامه کیهان مورخ ۲۳ مردادماه ۱۳۵۸ [۱۴ اوت ۱۹۷۹]، در تاریخ ۱۴ شهریورماه ۱۳۵۸ [پنجم سپتامبر ۱۹۷۹] تشکیل گردید. همچنین مدارکی به صورت آگهیهای منتشره در روزنامه کیهان طی سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ ارائه شده است که نشان می‌دهند از سهامداران تهران بتون برای شرکت در مجمع سالانه سهامداران دعوت به عمل آمده بود و مدرکی در دست نیست که نشان دهد شات پیرو این دعوتنامه‌ها در صدد اجرای حقوق مالکانه خود برآمده و اقدام دولت ایران کوششهای وی را خنثی کرده بود. این آگهی‌ها نشان نمی‌دهند که تهران بتون تحت کنترل دولت بوده یا از علایق سهامداران آن شرکت غیر از خانواده لاجوردی سلب مالکیت شده است. دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعای مبتنی بر سلب

مالکیت از سهام شات در تهران بتون باید به لحاظ فقد دلیل مردود اعلام شود.

۳۸ - ادعای سود سهام نیز به همین نحو رد می‌شود. راجع به این قسمت از ادعای دیوان ملاحظه می‌کند که در مورد سود سهام تهران بتون چیزی جز اظهارات کلی خواهان در تأیید این ادعا وجود ندارد که اقدام دولت ایران مانع پرداخت سود سهام بعد از سال ۱۹۷۸ گردیده است. شات توضیح نمی‌دهد که چگونه اطلاع دارد که سود سهام در سال ۱۹۷۹ تقریباً به مبلغ ۵۰۰ دلار برای هر سهم اعلام شد و هیچیک از افراد "دیگری" را که حسب اظهار وی، سود سهام دریافت کرده‌اند مشخص نمی‌کند. در واقع گرچه شات ادعا می‌کند که تا پایان سال ۱۹۷۸، هر سال سود سهام دریافت می‌کرد، اما به عنوان مدرک فقط آگهی سود سهام سال ۱۹۷۶ را تسلیم کرده است و توضیحی در رابطه با فقدان یا در دسترس نبودن سایر آگهی‌ها ارائه نمی‌کند.

۳۹ - دیوان باتوجه به نتیجه‌گیریهای خود درباره ادعاهای شات راجع به تهران بتون، لازم نمی‌داند که به موضوع حق اقامه این قسمت از ادعا توسط شات، یا موضوع صلاحیت دیوان نسبت به ادعا باتوجه به واگذاری علایق مالکانه مستوفی در تهران بتون به شات، بپردازد. دیوان همچنین ضروری نمی‌داند درباره قابلیت پذیرش مدرکی تصمیم بگیرد که خارج از موعد، در تاریخ ۱۸ فروردین ماه ۱۳۶۸ [هفتم آوریل ۱۹۸۹] تحت عنوان "گزارش درباره ارزش (شرکت سهامی خاص) تهران بتون در ۱۳ اسفندماه ۱۳۵۸ [سوم مارس ۱۹۸۰]" به ثبت رسیده است.

۲ - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از شرکت گازهای صنعتی ایران

۴۰ - شات براساس سلب مالکیت از سهام خود در شرکت گازهای صنعتی ایران مبلغ ۱۴،۱۸۹ دلار مطالبه و به عنوان دلیل سلب مالکیت، منحصراً به متن قانون حفاظت

و توسعه صنایع استناد می‌کند. در آن قانون، به "نفت" و "گاز" به عنوان صنایعی که "قبلاً" ملی شده‌اند" اشاره شده است، ولی خوانندگان اظهار می‌دارند که آن قانون فقط شامل شرکت‌هایی می‌شد که صاحب ذخایر گاز یا نفت بودند یا به اکتشاف و استخراج نفت اشتغال داشتند، حال آنکه در مدارک ثبت شرکت گازهای صنعتی ایران که در روزنامه رسمی مورخ ۱۴ مهرماه ۱۳۵۵ [ششم اکتبر ۱۹۷۶] منتشر و به عنوان دلیل ارائه شده، فعالیت‌های عمده شرکت مزبور، تولید و توزیع و فروش گازهای صنعتی از جمله و به طور مشخص، گازهای "طبی" و "گازهای مورد استفاده در صنعت جوشکاری" توصیف شده است. خواهان در جلسه استماع اصرار می‌ورزید که شرکت گازهای صنعتی ایران گاز نفت برای مصارف خانگی می‌فروخته، نه گازهای شیمیایی که در صنایع به کار می‌رود. لیکن شات همچنین تصدیق کرد که شرکت اینگونه محصولات را صرفاً توزیع می‌کرد و به اکتشاف یا استخراج اشتغال نداشت. با توجه به حدود شمول قانون حفاظت و توسعه صنایع و نیز نامعلوم بودن فعالیت‌های شرکت گازهای صنعتی ایران، دیوان نمی‌تواند منحصرأ بر اساس تصویب قانون حفاظت و توسعه صنایع به این نتیجه برسد که از سهام شات در آن شرکت سلب مالکیت شده است. مدارک دیگری که موعید سلب مالکیت شرکت باشد ارائه نشده است.

۳ - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از سهام شرکت خدمات ایمنی ایران

۴۱ - شات مبلغ ۲،۸۳۸/- دلار به عنوان ارزش سهام خود در شرکت خدمات ایمنی ایران مطالبه کرده است. در بررسی این ادعای سلب مالکیت، دیوان ابتدا ملاحظه می‌کند که هیچ مدرکی دال بر اینکه چنین شرکتی تأسیس شده، ارائه نگردیده است. همانطور که ملاحظه شد، خواننده، دولت ایران، اظهار می‌دارد که علیرغم تحقیقات خود به مدرکی که موعید ثبت شرکت باشد دست نیافته است. خواهان هم به نوبه خود، نسخه‌ای از هیچیک از اوراق سهام را تسلیم نکرده، زیرا مدعی است هنگامیکه ایران را ترک می‌کرد، اوراق سهام هنوز چاپ نشده بودند. حتی به فرض که چنین

شرکتی واقعا" وجود خارجی داشته باشد، مدارک کافی در مورد اقدامی که سلب مالکیت محسوب شود، وجود ندارد. اظهارات شات در شهادتنامه اش مبنی بر اینکه از سال ۱۹۷۹ سود سهام را دریافت نکرده، به موجب هیچ مدرک مثبتی تأیید نشده است و به تنهایی نمی تواند موعید این نتیجه گیری باشد که سلب مالکیتی صورت گرفته است، زیرا قرینه ای وجود ندارد که در سالهای بعد از ۱۹۷۹ هیچگاه سود سهامی اعلام شده است. شات در شهادتنامه خود همچنین اظهار می دارد که یک مهاجر ایرانی، که وی نام او را ذکر نمی کند و قبلا" از سهامداران عمده شرکت خدمات ایمنی ایران بوده، به شات اطلاع داد که از سهام وی سلب مالکیت شده است. باینحال دیوان معتقد است که این قبیل اظهارات توسط یک شخص مجهول الهویه بی اندازه مبهم و برای اثبات [ادعای] سلب مالکیت از سهام فاقد ارزش اثباتی می باشد. بنابراین ادعا به لحاظ فقد دلیل رد می شود.

۴ - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از سهام سکوریتاس (ایران) لیمیتد

۴۲ - ادعای شات براساس سلب مالکیت از سکوریتاس (ایران) لیمیتد، بابت ارزش سهام وی، به ۷،۰۹۵ دلار بالغ می شود. در اینجا نیز دیوان معتقد است که شات مدرکی دال بر سلب مالکیت ارائه نکرده است. در مورد این ادعا نیز، شات همانند ادعای سلب مالکیت از شرکت خدمات ایمنی ایران، منحصرأ" به اطلاعات دریافتی از همان مهاجر ایرانی مجهول الهویه ای استناد می کند که در بند ۴۱ فوق ذکر آن رفت (و حسب ادعا یکی از مقامات ارشد سکوریتاس (ایران) نیز بوده)، و گفته بود از علایق مالکانه شات سلب مالکیت شده بود. در این مورد نیز اینگونه اظهارات آنچنان مبهم است که نمی توان آنها را به عنوان دلیل سلب مالکیت تلقی کرد. بنابراین این قسمت از ادعا نیز به لحاظ فقد دلیل رد می شود.

۵ - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از سهام بانک ایرانیان

۴۳ - براساس مدارک موجود و مطالبی که در جلسه استماع اظهار شده، بحثی نیست که قبل از ملی شدن بانک ایرانیان، حداقل جمعا ۱۷۰۰ سهم آن بانک به نام دختر شات، یعنی باربارا مستوفی بود. سوی این واقعیت که ادعای مربوط به ۳۵۰ سهم دیگر در مرحله آخر رسیدگی مطرح شد (به بند ۱۹ فوق مراجعه شود) دیوان ملاحظه می‌کند که هیچ مدرک قاطعی راجع به این سهام ارائه نشده است. بحثی نیست که هنگام خرید این سهام، به لحاظ وجود محدودیت قانونی ۳۵ درصد مالکیت خارجی که قبلا "توسط سیتی بانک خریداری شده بود، اتباع خارجی نمی‌توانستند سهامی در بانک ایرانیان به دست آورند. بدین ترتیب، تنها راه تحصیل سهام برای مستوفی، استفاده از تابعیت ایرانی‌اش بود. طرفین اختلافی ندارند که نامبرده برای آن منظور از تابعیت ایرانی خود استفاده کرد. همچنین به موجب اعلامیه‌ای که به امضای مستوفی رسیده مسجل است که وی با ترک تابعیت ایرانی خود می‌بایست سهامش را به ایرانی دیگری منتقل می‌نمود. بنابراین روشن است که مستوفی، بدون توجه به اینکه تابعیت غالب و موثر وی چه بوده است، هنگام تحصیل آن سهام به تابعیت ایرانی خود اتکا کرده بود. مراجعه شود به: صفحات ۲۰ - ۱۹ تصمیم شماره الف - ۱۸ - ۳۲ مورخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] دیوان عمومی در پرونده شماره الف - ۱۸، (منتشره در Iran-U.S. 5 C.T.R. 251,265-66) و ص ۱۵ حکم شماره ۲-۱۵۷-۳۱ مورخ نهم فروردین ماه ۱۳۶۲ [۲۹ مارس ۱۹۸۳] صادره در پرونده ناصر اصفهانیان و بانک تجارت، (منتشره در Iran-U.S. C.T.R. 157,166 2).

۴۴ - دیوان ملاحظه می‌کند که هنگامیکه سیتی بانک اکثر سهام خود را در سال ۱۹۷۸ فروخت - و بدین ترتیب تحصیل سهام بانک ایرانیان را برای سایر اتباع خارجی میسر ساخت - سهام مستوفی به نام خود وی باقی ماند و وی اقدامی برای تغییر

موقعیتی که تحت آن صاحب سهام شده بود، به عمل نیاورد. بنابراین دیوان معتقد است که شات دیگر نمی‌تواند این استدلال را مطرح کند که تابعیت غالب و موثر مستوفی، از لحاظ صلاحیت دیوان نسبت به این قسمت از ادعای تابعیت امریکایی اوست. در نتیجه، دیوان معتقد است که مستوفی، از لحاظ تعیین صلاحیت رسیدگی نسبت به این ادعای دارای تابعیت ایرانی می‌باشد. بحثی نیست که هنگام ملی شدن بانک ایرانیان در سال ۱۳۵۸، سهام هنوز در دست مستوفی بود. در نتیجه، این قسمت از ادعا با شرط صلاحیتی استمرار مالکیت [دعوی] توسط اتباع ایالات متحده، به شرح مذکور در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی منطبق نمی‌باشد. بنابراین ادعای شات که براساس سلب مالکیت از سهامش در بانک ایرانیان مطرح شده، مردود است.

۶ - ادعای دیون پرداخت نشده

الف - حسابهای بانکی

۴۵ - بحثی نیست که در ۲۹ آذرماه ۱۳۵۸ [۲۰ دسامبر ۱۹۷۹] شات سپرده‌های ثابتی جمعاً به مبلغ ۱۱,۰۰۰,۰۰۰/- ریال و یک حساب جاری با موجودی ۲,۰۳۶,۵۰۰/- ریال نزد بانک ایرانیان داشت.

۴۶ - سؤال صلاحیتی که در اینجا مطرح می‌شود، اینست که آیا ادعای راجع به موجودیهای بانکی، به مفهوم بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، در ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده است یا خیر.

۴۷ - دیوان قبلاً "نظر داده است که صرف داشتن حق برداشت از یک حساب بانکی، "ادعا" به مفهوم مورد نظر بیانیه حل و فصل دعاوی محسوب نمی‌شود، بلکه برای اینکه

داشتن چنین حساب بانکی وصف ادعای پابرجا پیدا کند، باید مطالبه وجه از حساب مزبور قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] صورت گرفته باشد. مراجعه شود به: ص ۷ حکم شماره ۲-۹۸-۱۹ مورخ نهم دیماه ۱۳۶۱ [۳۰ دسامبر ۱۹۸۲] در پرونده هارزا انجینیرینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران، (منتشره در 1 Iran-U.S. C.T.R. 499-504 و ص ۷ حکم شماره ۲-۷-۱۴۱ مورخ هشتم تیرماه ۱۳۶۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴] در پرونده تیپتس، ایت، مک کارتی، استراتن و مهندسین مشاور تامز آفا - ایران و سایرین، (منتشره در 6 Iran-U.S. C.T.R. 219,223 و ص ۵۵ حکم شماره ۱-۶۵-۲۲۱ مورخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۵ [۱۶ آوریل ۱۹۸۶] در پرونده کامپیوتر ساینسز کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، (منتشره در 10 Iran-U.S. C.T.R. 269,299-300 و بند ۲۴ حکم شماره ۱-۴۴۸-۲۸۳ مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۵ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۶] صادره در پرونده ترینینگ سیستمز کوریوریشن و بانک تجارت و سایرین، (منتشره در 13 Iran-U.S. C.T.R. 331,337).

۴۸ - شات استدلال می‌کند که وی عملاً موجودی حسابهای سپرده ثابت و جاری خود را مطالبه کرد. شات طی نامه مورخ سوم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] خود، از آقای کریم آبادی مدیرعامل بانک ایرانیان درخواست کرد که اقدامات زیر را معمول دارد.

خواهشمند است ترتیبی اتخاذ فرمایید که هر ماهه مبلغ ۳،۰۰۰/- دلار از حساب سپرده ثابت برای اینجانب ارسال گردد تا بتوانم معاش خود را تأمین نمایم.... حتی هنگامیکه دیگران پولهای خود را خارج می‌کردند من پول خود را در بانک خودمان باقی گذاردم زیرا اگر قرار می‌بود به دیگران چنین توصیه‌ای بکنم خود نمی‌توانستم خلاف آن عمل نمایم. چون این وجوه پس انداز یک عمر زحمت اینجانب است، تقاضا می‌کنم برای وصول مقداری از پول و تأمین معاش من به اینجانب مساعدت فرمایید. من در اینجا در یک بانک محلی آتن حسابی افتتاح خواهم کرد تا شما بتوانید

ماهانه مبلغ ۳،۰۰۰/- دلار برای من حواله کنید.

۴۹ - باتوجه به نحوه نگارش این درخواست، بدیهی است که شات در صدد برداشت تمامی وجوه خود از سپرده‌های ثابت نبود، بلکه وی از آقای کریم آبادی تقاضا داشت ترتیبی اتخاذ نماید که ماهانه مبلغ ۳،۰۰۰/- دلار برای وی به آتن حواله گردد. بدیهی است که حتی بعد از عزیمت به یونان نیز، قصد شات این بود که مقداری از پول خود را در ایران باقی بگذارد. بنابراین درخواست شات را نمی‌توان "مطالبه" آن سپرده‌ها قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، بدانگونه که دیوان اصطلاح "مطالبه" را در پرونده‌های مذکور در فوق تفسیر کرده، تلقی نمود. دیوان معتقد است که مطالبه ۳،۰۰۰/- دلار در ماه، "مطالبه" وجوه سپرده‌های ثابت به مفهوم بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی محسوب نمی‌شود. بنابراین ادعای شات بابت مطالبه وجوه سپرده‌های ثابت به لحاظ فقد صلاحیت رد می‌شود. دیوان لازم نمی‌داند که تعیین کند آیا شات، به مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعایی بابت پرداخت یک یا چند فقره ۳،۰۰۰/- دلاری داشته است یا خیر، زیرا چنین ادعایی به وجه تخییری اقامه نشده است.

۵۰ - در مورد ادعای شات بابت مبلغ ۲،۰۳۶،۵۹۰/- ریال از حساب جاری شماره ۳۰۰۷۵-۶ و مبلغ ۷۹۰/۵۸ دلار از حساب شماره ۷۰۰۰۳۰ و مبلغ ۷۸/۳۵ پوند از حساب شماره ۷۵۰۱۷ پوند استرلینگ خود، دیوان ملاحظه می‌کند که در این مورد نیز مدرکی در پرونده وجود ندارد که نشان دهد این مبالغ قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به نحو مقرر مطالبه شده باشند. شات در نامه مورخ سوم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] خود صرفاً از بانک درخواست کرد که

سایر حسابهای مختلف اینجانب (۲ حساب دلاری و یک حساب [پوندی] و حساب پس انداز پسر (کنراد)) را مسدود و تمامی وجوه آنها را در حساب واحدی (شماره ۳۰۰۷۵-۶) واریز فرمایید.

شات در همان نامه به بانک اختیار می‌دهد که عواید حاصل از فروش درخواستی سهام وی در بانک ایرانیان را به حساب جاری وی واریز کند. بنابراین به نظر می‌رسد که شات قصد نداشت وجوه تمام حسابهای خود در ایران را برداشت کند، بلکه می‌خواست حداقل یک حساب یک کاسه در ایران داشته باشد. لذا، این ادعاها نیز به لحاظ فقد مدرکی که نشان دهد مطالبه‌ای به نحو مقرر قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] صورت گرفته، رد می‌شوند. باتوجه به این نتیجه‌گیری، دیوان لازم نمی‌داند که در مورد قابلیت پذیرش مدارکی که بانک تجارت و بانک مرکزی ایران با تاخیر به ثبت رسانده‌اند، تصمیم گیرد. به بند ۲۷ فوق مراجعه شود.

۵۱ - دیوان متذکر می‌شود که نماینده‌ای از بانک تجارت در جلسه استماع تأیید کرد که شات نسبت به مبالغ ریالی حسابهای سپرده مدت دار و جاری خود ذیحق است. همانطور که در بند ۲۶ فوق ملاحظه شد، خواننده اذعان کرده است که بانک حق نداشت وجوه حسابهای بانکی شات را در برابر دیون مشتریانی که، حسب ادعا، شات به بانک توصیه و معرفی کرده بود، تهاتر کند.

ب - ادعای حقوق، بازنشستگی و پاداش پایان خدمت

۵۲ - شات مبلغ /- ۱۸،۰۰۰ دلار بابت حقوق عقب افتاده خود از ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] که ایران را ترک کرد تا سوم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] که حسب ادعا استعفاء داد، مطالبه می‌کند. محرز شده است که شات از ژوئیه ۱۹۷۰ تا حداقل اول بهمن ماه ۱۳۵۷ [۲۱ ژانویه ۱۹۷۹] که بانک را ترک کرد، به عنوان دستیار ویژه رئیس بانک در استخدام بانک ایرانیان بود. حکم استخدامی نامبرده به امضای آقای ابتهاج رئیس بانک، نشان می‌دهد که قرار بود وی ماهانه مبلغ /- ۷۰،۰۰۰ ریال حقوق و مبلغ /- ۵۰،۰۰۰ ریال نیز به عنوان

مزایا و فوق‌العاده مسکن دریافت کند. شات می‌گوید که وی در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] ایران را به دلیل ناامن بودن اوضاع برای اتباع امریکایی ترک کرد. شات اظهار می‌دارد که رئیس بانک ایرانیان به وی اجازه ترک کشور را داده بود و خوانده این مطلب را انکار می‌کند. دیوان ملاحظه می‌کند که هیچ دلیل مستندی در تائید اظهارات شات مبنی بر اینکه وی از رئیس بانک ایرانیان مرخصی با حقوق یا بدون حقوق گرفته بوده، وجود ندارد. مطلب حائز اهمیت این است که در نامه مورخ سوم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] شات به بانک، نه ذکری از مرخصی با موافقت رئیس بانک به عمل آمده و نه حقوقی مطالبه شده است. بنابراین، این قسمت از ادعای شات راجع به پرداخت حقوق به لحاظ فقد ادله کافی رد می‌شود.

۵۳ - شات همچنین حداقل مبلغ /- ۱۰,۰۰۰ دلار بابت پاداش پایان خدمت و مبلغ /- ۵۰,۰۰۰ دلار بابت حقوق بازنشستگی مطالبه کرده است. وی در نامه مورخ سوم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] خود به بانک نوشته است که:

خواهشمند است طبق رویه معمول در ایران ترتیبی اتخاذ فرمایید که پاداش پایان خدمت [متعلقه] به حساب اینجانب واریز گردد. همچنین موجب امتنان خواهد بود اگر پاداش یا حقوق بازنشستگی که باید بابت نه سال خدمت اینجانب پرداخت شود، به حساب (شماره ۶-۳۰۰۷۵) من تودیع گردد.

گرچه شات معتقد است که طبق رویه معمول در ایران، وی استحقاق دریافت پاداش پایان خدمت را داشته، اما دلیلی برای اثبات وجود چنین رویه‌ای ارائه نداده است. توافقی نیز وجود نداشت که به موجب آن به شات حق دریافت پاداش پایان خدمت داده شده باشد. به همین نحو، دلیلی ارائه نشده که نشان دهد شات در یک طرح بازنشستگی خصوصی مشارکت داشته یا حق بیمه‌ای می‌پرداخته تا ویرا مستحق برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی کند. شات اذعان دارد که هیچ مدرکی در

اختیار ندارد که نشان دهد آیا از حقوق وی کسور بازنشستگی برداشت می‌شده یا خیر، ولی اظهار می‌دارد که استنباط وی چنین بود که مانند سایر کارمندان، حق دریافت حقوق بازنشستگی را خواهد داشت. سوای این مطلب که مدرکی راجع به چنین استحقاقی وجود ندارد، طبیعت شغل آقای شات به عنوان دستیار ویژه رئیس بانک و شرایط استخدامی وی به شرح مندرج در حکم استخدامی مورخ دهم مردادماه ۱۳۴۹ [اول اوت ۱۹۷۰] حاکی از آن است که وضع وی شبیه سایر کارمندان نبوده است. بنابراین دیوان ادعای دریافت پاداش پایان خدمت و حقوق بازنشستگی را به لحاظ فقد دلیل رد می‌کند.

۷ - ادعای مبتنی بر سلب مالکیت از اموال عینی شات

۵۴ - شات اظهار می‌دارد که پاسداران انقلاب ایران پس از اشغال انباری که اموال وی در آنجا نگهداری می‌شد، تمامی کلکسیون عتیقه وی را توقیف کردند. وی مبلغ ۱،۲۷۸،۳۵۰/- دلار غرامت از این بابت مطالبه می‌کند. شات برای اینکه در این ادعا موفق شود، باید دو عنصر مهم را ثابت کند: اول اینکه، وی کلکسیونی داشته و آن کلکسیون طبق ریز اقلامی که تهیه کرده در اوایل سال ۱۳۵۸ در انباری واقع در تهران نگهداری می‌شده است. دوم اینکه این کلکسیون را پاسداران انقلاب توقیف کرده‌اند.

۵۵ - ظاهراً "تردیدی نیست که شات فرشهای ایرانی و سرامیک و شیشه آلات عتیقه جمع آوری می‌کرده است. این مطلب رد نشده بلکه و در شهادتنامه‌های آقای ویلیام دبلیو. له فلت، آقای ربیع سلیمانی و آقای کریستوفر فیلاکتو تأیید شده است. آقای له فلت اظهار می‌دارد که به عنوان دوست نزدیک شات بارها به خانه وی در تهران که کلکسیون او در آنجا در معرض دید قرار داشت، رفته بود. آقای فیلاکتو که تبعه انگلستان و یک مدیر بازرگانی است، آقای شات را از اوایل دهه شصت، که

هر دو در قبرس کار و زندگی می‌کردند، می‌شناخته است. آقای فیلاکتو در سال ۱۹۷۵ به دعوت شات به ایران نقل مکان و تا سپتامبر ۱۹۷۸ در آنجا زندگی کرد. آقای فیلاکتو و آقای شات نیز دوستان نزدیک یکدیگر بودند. آقای فیلاکتو اظهار می‌دارد که وی در تهران از خانه شات دیدن کرده و با کلکسیون عتیقه وی آشنایی داشت که به گفته وی، مجموعه جالب توجهی از اشیاء عتیقه ایرانی بود. آقای فیلاکتو به عنوان شاهد در جلسه حاضر شد و تأیید کرد که دو عکسی که جزو مدارک هستند، توسط وی گرفته شده بود و اضافه نمود که وی در ارتباط با این نوع عتیقه تخصص ندارد و بنابراین نمی‌تواند ارزش کلکسیون را برآورد کند. آقای فیلاکتو اظهار داشت که پس از عزیمت خود از ایران، که در اواخر اوت یا اوایل سپتامبر ۱۹۷۸ صورت گرفت، آن کلکسیون را ندیده و از آن بی‌عده اطلاع ندارد که چه بر سر آن اشیاء آمده است. وی به‌رحال می‌گوید که هنگام اقامت آقای شات و همسرش در آپارتمان وی [فیلاکتو] در لندن در تابستان سال ۱۳۵۸، وی تصادفاً مکالمه تلفنی شات و فرزندش را که در آن موقع در تهران بود، شنید و استنباط وی از آن مکالمه چنین بود که برای قسمتی از اثاثه شات اجازه صدور داده نمی‌شد. غیر از شهادت پسر شات، تنها شهادتنامه‌ای که راجع به سرنوشت کلکسیون بعد از عزیمت شات صحبت می‌کند، شهادتنامه آقای له‌فلت است. آقای له‌فلت اظهار می‌دارد که پس از ترک ایران در تاریخ ۳۰ آذرماه ۱۳۵۷ [۲۱ دسامبر ۱۹۷۸]، ابتدا از دفتر خود در لندن و سپس از محل اقامت خود در ایالات متحده، به دفعات با کارمندان جنرال الکتریک در ایران تماس تلفنی داشت. وی اظهار می‌دارد که:

ضمن یکی از این مکالمات در اواخر سال ۱۹۷۹، اطلاع حاصل کردم که پاسداران انقلاب جمهوری اسلامی ایران انبار امسکو را ضبط و در بین سایر اشیاء، چندین صندوق چوبی مهر و موم شده حاوی اثاثه‌ای که توسط رابرت بی. شات در یکی از انبارها قرار گرفته بود، پیدا کرده‌اند. به من گفته شد که پاسداران انقلاب این صندوقها را (ضمن بسیاری صندوقهای دیگر) باز کرده و متوجه شدند که حاوی

اشیاء عتیقه ایرانی و اشیاء قیمتی دیگر است و صندوقها و محتویات آنها را ضبط کردند.

دیوان ابتدا ملاحظه می‌کند که آقای له‌فلت نیز پس از ترک ایران در دسامبر ۱۹۷۸ کلکسیون را ندیده، علاوه بر آن هویت شخصی را که در دفتر امسکو با وی مکالمه تلفنی داشته، مشخص نکرده است. دیوان در اقدام بعدی خود باید اظهارات پسر شات را که دو شهادتنامه در تاعیید ادعاهای پدرش تسلیم کرده، و در جلسه استماع حاضر شده و اطلاعاتی در اختیار [دیوان] گذارده است، بررسی کند. پسر شات می‌گوید که وی به توصیه سفارت امریکا در ایران و کارفرمای خود، جنرال الکتریک، در مارس ۱۹۷۹ ایران را ترک کرد. متعاقباً پدرش از او تقاضا کرد که به ایران مراجعت کند و ضمن سایر امور، اثاثه خانه و سایر مایملک وی را از ایران به خارج ارسال دارد و در صورت لزوم اقلامی را که فرستادن آنها به خارج مقدور نیست در محل امنی انبار کند. بر این اساس، پسر شات در ژوئیه ۱۹۷۹ به ایران مراجعت کرد و تا اوایل اوت ۱۹۷۹ در ایران ماند. وی اظهار می‌دارد که یک ایرانی به نام داروغی را استخدام کرد که اموال شخصی پدرش را به خارج از کشور بفرستد. وی اطلاع حاصل کرده بود که آقای داروغی شخص مجربی در کار حمل و معاون شعبه کشوری خدمات گمرکی ایران است. اولین کوشش آنها برای صدور اشیاء با شکست مواجه شد، بدین ترتیب که پس از بسته‌بندی اثاثه پدر در شش یا بیش از شش صندوق بزرگ و بسته‌بندی کلکسیون عتیقه در دو صندوق بزرگ لاک و مهر شده، شات و آقای داروغی صندوقها را برای ترخیص به گمرک تهران بردند. حسب ادعاء مقامات گمرک و نمایندگان کمیته انقلاب مرکز، اثاثه را بازرسی و پس از اینکه جزو آنها، یک چلچراغ نقره‌ای را یافتند که نشانی مرتبط با شاه ایران بر آن منقوش بود، کلیه هشت صندوق را توقیف کردند. صندوقها آخرالامر آزاد شدند، ولی به آقای داروغی گفته شد که صدور آنها امکان ندارد. پسر شات اظهار می‌دارد که چون آقای داروغی به وی توصیه کرده بود که صندوقهای حاوی عتیقه را باتوجه به

جو ضد امریکایی آن زمان به گمرک برنگرداند، روز بعد با شش صندوق ائانه خانه به گمرک مراجعت کرد. او می‌گوید آقای داروغی توصیه کرده بود تا مساعد شدن جو سیاسی در ایران، صندوقهای عتیقه را در محل امنی قرار دهد.

۵۶ - بدین ترتیب، شش صندوق حاوی ائانه خانه، مجدداً توسط گروه دیگری از مقامات گمرک بازرسی و اجازه ترخیص آنها داده شد. طبق اظهار پسر شات، ائانه از ایران صادر گردید. پسر شات ادعا می‌کند که دو صندوق باقیمانده حاوی کلکسیون عتیقه را به انبار یک شرکت مختلط جنرال الکتریک در ایران به نام امسکو تحویل داد. وی خاطرنشان می‌کند که در آن زمان جنرال الکتریک انبار امسکو را برای نگهداری وسایل شخصی کارکنان خود، در اختیار آنان گذارده بود. به علاوه، به نظر وی آن انبار محل مناسبی برای قرار دادن اشیاء بود، زیرا محلی کاملاً امن و محصور به دیوارهای بلند بود. وی همچنین اظهار می‌دارد که پس از مراجعت به ایالات متحده، چندین بار با کارمندان جنرال الکتریک صحبت و اطمینان حاصل کرد که اموال پدرش هنوز در انبار محفوظ است. در اوایل اطلاع می‌یافت که اشیاء محفوظ است. ولی شات اظهار می‌دارد که در اواخر سال ۱۹۷۹ یا اوایل سال ۱۹۸۰ آقای له‌فلت به وی گفت که امسکو ملی شده است و به وی اطلاع داد که کارمندان ایرانی مسئول امسکو به وی گفته‌اند که پاسداران انقلاب ایران انبار را ضبط و دو صندوق مزبور را پیدا و مصادره کرده‌اند.

۵۷ - در مورد اظهارات پسر شات، دیوان ملاحظه می‌کند که ادله‌ای که آن اظهارات را تأیید کند وجود ندارد. اولاً هیچ دلیلی مانند اسناد حمل وجود ندارد که نشان دهد شش صندوق حاوی ائانه منزل واقعا صادر شدند. ثانیاً هیچ دلیل دیگری وجود ندارد که نشان دهد آقای داروغی واقعا به پسر شات کمک کرده بود. وزارت سپاه پاسداران اظهار می‌دارد که آقای داروغی هیچگاه در استخدام گمرک ایران نبوده و نامه‌ای در تأیید این موضوع از وزارت امور اقتصادی و دارایی که اداره

گمرک ایران زیر نظر آن اداره می‌شود، ارائه داده است. به علاوه، اظهارات پسر شات راجع به تحویل دو صندوق کلکسیون عتیقه با هیچ دلیل مستندی، غیر از اظهارات آقای له‌فلت در شهادتنامه‌اش مبنی بر اینکه طبق استنباط وی پسر شات اشیاء را در انباری قرار داده بود، تأیید نشده است. از آنجا که آقای له‌فلت در آن زمان دیگر در ایران نبود، به نظر دیوان اظهارات وی ارزش اثباتی چندانی ندارد. به علاوه، شات هیچ مراسله یا سندی مانند رسید تحویل دو صندوق یا سیاهه اموال حاکی از اینکه اشیاء به انبار تحویل شده بوده، به عنوان دلیل ارائه نکرده است. پسر شات هویت انباردار تحویل گیرنده صندوقها را نیز مشخص نکرده است. علاوه بر آن، دیوان ملاحظه می‌کند که تنها اطلاع مندرج در پرونده دایر بر اینکه اشیاء توسط پاسداران انقلاب صادره شده، از شهادتنامه آقای له‌فلت به شرح مذکور در بند ۵۵ فوق سرچشمه می‌گیرد. در این مورد نیز دیوان ملاحظه می‌کند که شهادت آقای له‌فلت درباره انبارشدن اشیاء، اشغال انبار توسط پاسداران انقلاب یا صادره اشیاء، شهادت مستقیم نیست. آقای له‌فلت منبع اطلاعات خود را مشخص نکرده و پسر شات در جلسه استماع اظهار داشت که آقای له‌فلت از افشای نام کارمند امسکو که فعالیتهای پاسداران را گزارش کرده بود ابا داشت، زیرا نگران آن بود که مبادا مزاحمتی برای آن کارمند ایجاد شود. طبق اظهار پسر شات، منبع آن اطلاعات شخصی به نام آقای هاشمی با نام کوچک کاریان بود. لیکن موضع دیوان اینست که به ویژه، چون هویت منبع اطلاعات قبلاً جزو مدارک این پرونده ارائه نشده، دیوان نمی‌تواند این ادعا را دلیل کافی بر اظهارات شات تلقی نموده، به آن اتکاء کند.

۵۸ - به علاوه، شات در نامه مورخ سوم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] خود به آقای کریم آبادی مدیرعامل بانک ایرانیان، (به بند ۴۸ فوق مراجعه شود) از ایشان تقاضای کمک راجع به مسایل مختلف مالی نموده، اضافه می‌کند.

اکنون که قادر به مراجعت به ایران نیستم، زیرا خوشبختانه توانسته‌ام در آتن کاری پیدا کنم، می‌خواهم از بانک بابت کمکهایش به پسرم رابرت بی. شات که اخیراً برای انجام ترتیبات حمل‌آثاته شخصی ما به آتن در ایران بود، تشکر کنم. این نهایت لطف و محبت همه افراد ذریبط بوده، و من نمی‌دانم چگونه قدردانی خود را به همه شما ابراز کنم.

دیوان ملاحظه می‌کند که هرچند شات از بانک تشکر کرده است که طی اقامت پسرش در ایران برای دادن ترتیبات حمل‌آثاته شخصی وی به آتن، به وی کمک کرده، اما ذکری از کوشش یا عدم موفقیت اقدامات صدور کلکسیون عتیقه بعمل نیاورده و اصولاً در آن نامه ذکری از کلکسیون به میان نیامده است. بنابراین دیوان بر این نظر است که مندرجات نامه مزبور ادعای شات را، مبنی بر اینکه دارای کلکسیون عتیقه‌ای بوده که در ایران بجا گذاشته، تأیید نمی‌کند.

۵۹ - باتوجه به مراتب بالا، دیوان نتیجه می‌گیرد که شات از عهده اثبات این ادعا برنیامده است که کلکسیون عتیقه در تابستان سال ۱۳۵۸ به یکی از انبارهای امسکو سپرده شده بود و کلکسیون مزبور توسط پاسداران انقلاب مصادره گردید. باید اضافه کرد که ادعای شات راجع به ضبط انبارهای امسکو توسط پاسداران انقلاب مورد تکذیب خوانندگان است و هیچ مدرکی نیز در پرونده برای اثبات این ادعا وجود ندارد.

۶۰ - شات همچنین به نامه‌ای از آقای صادقی نشاط، معاون دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ایران، استناد می‌کند که در آن قبول شده است که انبار امسکو تحت کنترل وزارت سپاه است. ولی وزارت سپاه اظهارات مذکور در آن نامه را رد کرده و شهادتنامه‌ای از آقای محمد امیرخانی فراهانی، یک مأمور وزارت سپاه تسلیم نموده که در آن هرگونه دخالت دولت ایران در امور چنین انباری انکار شده است. وزارت سپاه حتی وجود انبار مورد بحث را انکار کرده است. باتوجه به این واقعیات متنازع فیه، دیوان نمی‌تواند درباره این مسأله که آیا انبار ضبط شده است یا خیر

اعلام نظر کند. در هر حال، دیوان بر این نظر است که با توجه به نتیجه‌گیریهای پیشین، اخذ تصمیم درباره این مسأله ضرورت ندارد.

۶۱ - به همین نحو، دیوان بر این نظر است که بررسی برآوردهای مختلف از ارزش کلکسیون عتیقه شات ضرورت ندارد. با اینحال دیوان ملاحظه می‌کند که برآوردها مغایرت قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر دارند. برآورد آقای سلیمانی صرفاً مبتنی بر فهرستی است که آقای شات ارائه نموده است و آقای سلیمانی اشیاء را بدون آنکه دیده باشد ارزیابی کرده، که در این حرفه خاص، کاری غیر عادی است. به علاوه، دیوان متذکر می‌شود که اظهارات آقای شات در جلسه استماع، درباره نوع و یا محل بافت ۳۵ قطعه فرش ایرانی که بابت آنها مطالبه غرامت شده، تردیدهای جدی باقی گذارده است. شات صرفاً گفت که کلیه فرشها از نظر اندازه کوچک، تعدادی از آنها کهنه و دو قطعه فرش ابریشم نیز جزو آنها بود و تا آنجا که اطلاع دارد جزو فرشهایی که وی باقی گذارده بود، گلیمی وجود نداشت. در این مورد، دیوان متذکر می‌شود که اظهارات آقای شات با گفته پسرش تناقض دارد، زیرا پسر شات در جلسه استماع اظهار داشت که آنطور که بیاد می‌آورد، چهار یا پنج قطعه گلیم جزو فرشها بود، حال آنکه طبق اطلاع دیوان، گلیم ارزان‌ترین نوع فرش است. و بالاخره، دیوان ملاحظه می‌کند که غیر از اظهارات مندرج در شهادتنامه‌ها، هیچ مدرکی در پرونده وجود ندارد که نشان دهد اشیاء مذکور وجود خارجی داشته یا در ایران باقی مانده‌اند. هیچ صورتحسابی بابت اشیاء خریداری شده توسط شات و بیمه نامه‌ای برای کلکسیون ارائه نشده است. شات در جلسه استماع ادعا کرد که نیازی به بیمه کردن کلکسیون عتیقه خود نداشت، زیرا خانه او مجهز به دستگاه ایمنی از نوع لیزری بود که توسط سکوریتاس ایران که وی سهامدار آن بود تعبیه شده بود. به علاوه، شات اظهار داشت که خانه و باغ آن با دیوار بلندی محصور شده بود.

ج - هزینه‌ها

۶۲ - شات هزینه‌های متحمل در جریان رسیدگی به پرونده حاضر را مطالبه می‌کند. شات طی اظهاریه‌ای تحت عنوان "صورت هزینه‌های اولیه خواهان" که در ۲۴ خردادماه ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئن ۱۹۸۷] به ثبت رسید، اظهار داشت که هزینه نمایندگی حقوقی وی ۱۶/۷۸۳،۷۸۳ دلار بوده است. خواندگان از دیوان درخواست کرده‌اند که شات را محکوم به پرداخت کلیه خساراتی که ایشان در رابطه با جریان رسیدگی متحمل شده‌اند، نماید. باتوجه به نتیجه رسیدگیها، دیوان موجه می‌داند که حکمی به مبلغ ۵،۰۰۰/- دلار بابت هزینه‌های داوری، مشترکا" به نفع خواندگان صادر کند.

سه - حکم

بنا به دلایل پیشگفته،


دیوان به شرح زیر مقرر می‌دارد:

الف) ادعاهای مطروح علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و تشکیلات آن وزارت صنایع و معادن ایران، وزارت مسکن و شهرسازی ایران، بانک تجارت، بانک مرکزی ایران، سپاه پاسداران انقلاب [اسلامی] ایران و همچنین علیه شرکت تهران بتون مردود اعلام می‌شوند.

ب) خواهان رابرت آر. شات مکلف است مبلغ ۵،۰۰۰/- دلار بابت هزینه‌های داوری مشترکا" به دولت جمهوری اسلامی ایران، وزارت

صنایع و معادن ایران، بانک مرکزی ایران و سپاه پاسداران انقلاب
[اسلامی] ایران بپردازد.

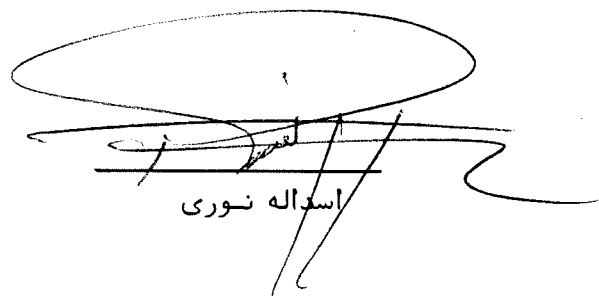
لاهور، به تاریخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۶۸ برابر با ۱۴ مارس ۱۹۹۰



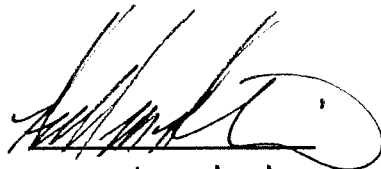
بنگت برومس

رئیس شعبه یک

به نام خدا



اسداله نوری



هوارد ام. هولتزمن
با بخش دو - ب - ۷
حکم درمورد عدم اعطای
غرامت بابت کلکسیون
عتیقه و فرشها مخالف،
و با سایر قسمتها
موافقم. مراجعه شود به
نظر جداگانه.